

رنسانس در اروپا

مقدمه

رنسانس^۱ یعنی تولد مجدد، و منظور از آن احیای فرهنگ و تمدن یونان و روم باستان است که با شروع قرون وسطا به دست فراموشی سپرده شده بود. احیای فرهنگ یونان و روم باستان، در واقع به صورت توجه به اصول و بنیادهای آن تمدن‌ها و بهره‌گیری از دست‌آوردهای آن تمدن‌ها تجلی می‌کرد. رنسانس به تدریج صورت گرفت و فرهنگ و تمدن قرون وسطا را با تغییرات و تحولاتی که در آن پدید آورد پشت سر گذاشت و زمینه‌ساز پیدایش تمدن جدید شد.

آن چه که در عصر رنسانس پدید آمد و چهره‌ی قرون وسطایی اروپا را تغییر داد عبارت بود از:

- ۱- رشد شهرنشینی و قدرت یافتن شهرنشینان. ۲- افزایش قدرت پادشاهان و ضعف فئودال‌ها.
- ۳- انسان‌گرایی و خردگرایی. ۴- رشد تجارت و حرفه‌ها. ۵- اکتشافات جغرافیایی.

از آن جا که رنسانس در اواخر قرون وسطا رخ داده است در این جا به بررسی تاریخ اروپا از ۱۳۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی می‌پردازیم.

رشد شهرنشینی و قدرت گرفتن شهرنشینان

رشد شهرها در ابتدا بیش‌تر در نواحی ساحلی بود، زیرا در آن جاها کشاورزان و حکم‌رانان فئودال کمتر حضور داشتند. رشد شهرهای بندری شمال ایتالیا و سپس شمال آلمان زودتر از شهرهای دیگر آغاز شد، اما دیگر شهرها نیز با رشته‌ای از فعالیت‌های تجاری مرتبط با هم به وجود آمدند و رشد کردند. به ساکنان شهرها بورژوا می‌گفتند که به معنای شهرنشین است. شهر، به خصوص محل داد و ستد بود و چون لازمه‌ی داد و ستد هم، پول است، استفاده از پول گسترش یافت.

ضعیف شدن فئودالیسم: فئودال‌ها اگرچه از این وضع ناراضی بودند اما کم‌کم توان مقابله با آن را از دست دادند. اتکای اصلی آنان به نیروی نظامی جنگ‌جوی خود یعنی شوالیه‌ها بود که شوالیه‌ها هم، به دلیل شکست در

جنگ‌های صلیبی که طی آن عده‌ای از روستاییان و شوالیه‌ها از اروپا به شرق مدیترانه مهاجرت کردند، مشکلات جمعیتی اروپا را حل نکرد زیرا: ۱- در نتیجه‌ی کمبود زمین، عده‌ی بیش‌تری از رعیت‌های زمین‌دار به رعیت‌های بی‌زمین تبدیل شدند. ۲- کشاورزان نیز گاه به دلیل ستم فئودال‌ها دست به شورش زده و از روستاها می‌گریختند. بدین ترتیب آنان هم بی‌زمین شده و به عبارتی رعیت پادشاه می‌شدند. همین گروه، چون کم‌کم به حرفه‌های گوناگون و داد و ستد مشغول شدند، شهرهای جدیدی را در اروپا بنا نهادند. آنان از حمایت پادشاهان برخوردار بودند. رونق گرفتن تجارت نیز که در پی جنگ‌های صلیبی رخ داد به رشد اقتصادی ساکنان شهرها کمک بسیار کرد.

در هر حال بر تعداد شهرهای اروپا و جمعیت آن‌ها افزوده شد و شیوه‌ها و قوانین شهرنشینی نیز بهبود یافت و با اقتباس از شیوه‌های شهرنشینی روم باستان اساس زندگی جدید اروپاییان شکل گرفت.

افزایش قدرت پادشاهان

مالیاتی که پادشاهان از فئودال‌ها دریافت می‌کردند، بیش‌تر صرف قدرتمند ساختن حکومت خودشان می‌شد. بدین ترتیب پادشاهان با استخدام تعداد زیادی سرباز، کم‌کم ارتش‌های منظم و دایمی تدارک دیدند و به ساخت اسلحه به‌ویژه توپ اقدام کردند. در نتیجه‌ی این اقدام، پادشاهان از نیروی نظامی فئودال‌ها بی‌نیاز شدند، به‌ویژه که توپ نیز در صورت لزوم می‌توانست قلعه‌های فئودال‌ها را درهم بکوبد. بنابراین از قدرت فئودالیسم، به نفع پادشاهان، بسیار کاسته شد. برای فئودال‌ها، املاک، القاب و افتخار به نجیب‌زادگی

جنگ‌های صلیبی، اعتبار خود را از دست داده بودند. بقایای نیروهای فئودال‌ها نیز صرف جنگ با فئودال‌های رقیب می‌شد. در نتیجه فئودالیسم در اروپا تضعیف شد. پادشاهان از فئودال‌ها می‌خواستند مالیات بپردازند و این مالیات را هم به‌صورت پول پرداخت کنند. لازمی به‌دست آوردن پول مراجعه به بازرگانان و بانکداران شهرها بود. این وضع سرانجام به برتری اقتصاد شهرنشینی بر اقتصاد فئودالی منجر شد و اشراف شهرنشین را از مقام و موقعیت ویژه‌ای برخوردار ساخت. در این دوره فئودال‌ها می‌کوشیدند موقعیت گذشته‌ی خود را حفظ کنند. در مقابل، اشراف شهرنشین نیز خود را دارای علم و ادب معرفی می‌کردند. این کشمکش اجتماعی مدت‌ها طول کشید و سرانجام به پیروزی بورژواها (شهرنشینان) منتهی شد. در نبل به این پیروزی علاوه بر تحول اجتماعی و اقتصادی که رخ داده بود، حمایت پادشاهان از شهرنشینان نیز مؤثر بود.



نمونه‌هایی از بازی‌های دوره‌ی رنسانس

از فرانسه‌ی کنونی هم دارای قلمرو بودند. اما پادشاهان فرانسه نیز برای تصرف این قلمرو وارد عمل شدند. نتیجه‌ی جنگ، ویرانی و خرابی بسیار بود، زیرا این جنگ‌ها صد سال طول کشید. علاوه بر این طاعون عده زیادی را از پا درآورد. در این جنگ‌ها، سرانجام فرانسویان با قیام دختری به نام ژاندارک^۱ به پیروزی رسیدند.

نتیجه‌ی مهم جنگ‌های صد ساله برای فرانسویان و انگلیسی‌ها، علی‌رغم خساراتی که به آنان وارد شد، رشد فرهنگ ملی آنان بود. پس از این، این دو ملت بیش از پیش بر ملیت خویش پافشاری کردند.

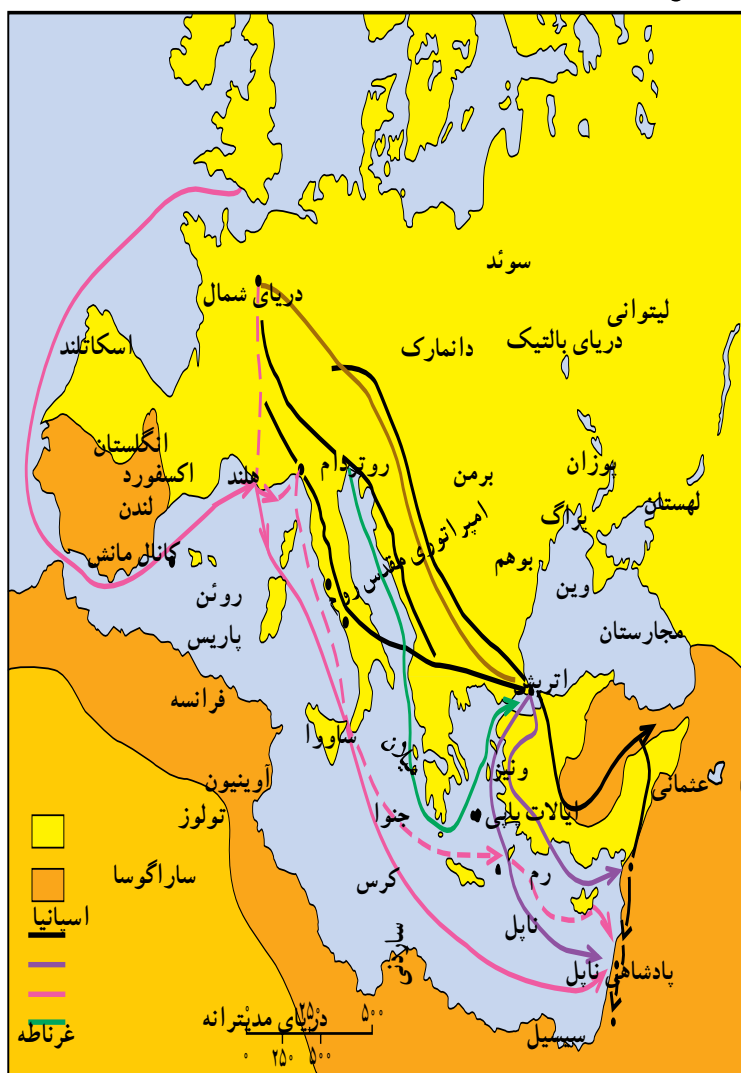
باقی مانده بود. پادشاهان که خود در اصل از همین طبقه بودند از آن پس اشراف فئودال را به صورت حکمرانان ایالات و مقامات حکومت و دربار درآوردند. بدین ترتیب قدرت در دست پادشاهان تمرکز یافت. از این تحول علاوه بر پادشاهان طبقه‌ی بورژوا نیز خرسند بودند، زیرا برقراری حکومت مرکزی موجب وحدت اداری و برقراری نظم و امنیت و قوانین یکسان می‌شد. این امر در تسهیل و توسعه‌ی تجارت که خواست بورژواها بود تأثیر داشت.

افزایش قدرت پادشاهان موجب دخالت آنان در امور کلیسا شد. آنان تعیین سراسقف به وسیله‌ی پاپ را نمی‌پذیرفتند و می‌خواستند در امور داخلی کشورشان مستقل

باشند. اما پاپ در مقابل آنان ایستادگی کرد. در نتیجه بعضی از پادشاهان اروپایی از فرمان پاپ سرپیچیدند و حتی به مقر او نیز حمله کردند. اگرچه آنان نتوانستند به خواست خود برسند اما تا حدود زیادی قدرت پاپ را محدود کردند و در مقابل بر قدرت و اختیار خود افزودند.

تحولات سیاسی و شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی

هر چند کشورها و حکومت‌های اروپایی در عصر رنسانس تحولات مهمی را پشت سر گذاشتند اما برای رسیدن به شرایط مطلوب، هنوز راه درازی در پیش داشتند. شکل‌گیری حکومت‌های مرکزی، قلمروهای متحد و ملت‌ها به آرامی در حال انجام بود. هیچ‌یک از کشورهای کنونی اروپا وضع امروزی خود را نداشتند. در انگلستان، اشراف فئودال با حضور در پارلمان، شکل جدیدی از حکومت مرکزی (مشروطه سلطنتی) را به وجود آوردند. پادشاهان انگلستان در قسمت‌های وسیعی



اوضاع سیاسی اروپا در عصر رنسانس



صحنه‌ای از جنگ‌های صدساله بین انگلیس (سمت راست) و فرانسه (سمت چپ)

یک توضیح

ژاندارک

ژاندارک قهرمان ملی فرانسه است. (۱۴۳۱-۱۴۱۲ م.) او به دین‌داری و پرهیزگاری شهرت داشت و مدعی بود که از الهامات غیبی برخوردار است. در جریان جنگ‌های فرانسه و انگلیس به حضور شارل هفتم پادشاه فرانسه رسید و با اصرار، از پادشاه خواست که وی را به فرماندهی سپاهی منسوب کند و به جنگ انگلیس‌ها بفرستد. ژاندارک بر انگلیس‌ها پیروز شد اما در یکی از جبهه‌ها، گویا به دلیل خیانت بعضی از اطرافیان، اسیر شد. انگلیسی‌ها او را محاکمه کردند و به اتهام کفر و ارتداد به مرگ محکوم ساختند. ژاندارک با کمال خون‌سردی از خود دفاع کرد و حتی هنگام اجرای حکم از خود ترسی نشان داد. او را زنده در آتش سوزاندند. ژاندارک هنگام مرگ ۱۹ سال داشت.

و زوال دیده می‌شد. شهرها و بنادر شمالی این سرزمین از طریق تجارت و رشد شهرنشینی صاحب ثروت بسیار شده بودند. اما آن سرزمین فاقد حکومت مرکزی بود. شهرهای شمالی ایتالیا که خود را از تسلط دستگاه پاپ و امپراتوری مقدس روم خارج ساخته بودند، به صورت دولت - شهرهایی جدا از هم درآمد و نه تنها تمایلی به وحدت نداشتند بلکه مدام نیز با هم در جنگ و جدال بودند. اشراف شهری، دولت - شهر مستقل خویش را بر یک کشور وسیع یک پارچه ترجیح می‌دادند.

رنسانس علمی و فرهنگی در اروپا

همگام با تحولات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در اروپای عصر رنسانس، در عرصه‌ی اندیشه، هنر، علم و فن نیز تغییرات وسیعی به ظهور پیوست. یکی از وجوه مهم رنسانس انسان‌گرایی و خردگرایی بوده است. پس از جنگ‌های صلیبی آشنایی اروپاییان با آثار فلسفی به خصوص آثار مربوط به یونان باستان موجب شد تا باور به انسان و خرد او پذیرش بسیار پیدا کنند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

آیا می‌دانید منظور از آثار فلسفی یونان باستان،

کدام آثار است؟

صرف نظر از آثار فلسفی و اخلاقی عصر رنسانس که گرایش‌های انسان‌گرایانه را در خود منعکس ساخته‌اند، در عرصه‌ی هنر نیز به خوبی می‌توان این گرایش را ملاحظه کرد. موضوع بیش‌تر آثار نقاشی و مجسمه‌سازی عصر رنسانس انسان است. در این آثار که نقاشان بزرگی نظیر میکل‌آنژ^۲ و داوینچی^۳ به وجود آورده‌اند احساس انسان، اندیشه‌ی انسان، اعمال انسان و نیز طبیعت انسان مورد توجه قرار گرفته است.

در اسپانیا تحولات دیگری در جریان بود. ایالت‌های شمال اسپانیا که در دست پادشاهان مسیحی بود به پیروزی‌های جدید علیه مسلمانان در جنوب دست یافتند. حکومت‌های ملوک الطوائفی مسلمان که تجزیه و تفرقه ضعیفشان کرده بود، عقب نشستند. سرانجام در اواخر قرون وسطا پادشاهان مسیحی مناطق مختلف اسپانیا با برقراری پیوند خانوادگی میان خویش، متحد شدند و توانستند به آخرین مقاومت مسلمانان پایان دهند.

نواحی مرکزی و شرقی اروپا برای رسیدن به یک دولت مقتدر کندتر از نواحی غربی آن، یعنی انگلستان و فرانسه و اسپانیا، حرکت می‌کردند. زیرا اشرافیت فتودال در آن‌ها هنوز قدرت بسیار داشتند. در آلمان (امپراتوری مقدس روم) این اشراف مقام امپراتور را به‌طور رسمی تأیید می‌کردند. در روسیه نیز فتودال‌ها قدرت بسیار داشتند. سلطه‌ی مغولان بر روسیه که نزدیک به یکصد و پنجاه سال طول کشید نیز آنان را ضعیف نکرد. تا این که با به قدرت رسیدن ایوان چهارم^۱ اشراف سرکوب شدند و هرچند از بین نرفتند اما حکومت مرکزی قدرتمند و وسیعی در روسیه شکل گرفت. ایوان چهارم (۱۵۸۴-۱۵۳۳) از مشهورترین پادشاهان روسیه است که به سبب خشونت‌هایش به ایوان مخوف مشهور است. او یک بار در حال عصبانیت پسر خود را کشت! توسعه‌ی مذهب ارتدوکس نیز به تقویت وحدت معنوی روس‌ها کمک می‌کرد.

اوضاع سیاسی نواحی جنوبی اروپا، به عکس نواحی دیگر آن، به سوی قدرت متمرکز سیر نمی‌کرد. در شبه جزیره‌ی بالکان حکومت بیزانس پس از ضربه‌ای که از صلیبی‌ها خورد دیگر نتوانست قدرت خود را باز یابد و روبه زوال رفت. پیشروی ترکان عثمانی و استقلال طلبی صرب‌ها و مجارها نیز این زوال را تسریع کرد. در شبه‌جزیره‌ی ایتالیا آمیزه‌ی شگفت‌انگیزی از رشد

۱- Ivan IV

۲- Michelangelo

۳- Davinci



انواع فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی در شهرهای اروپا در اواخر قرون وسطا

آنان نیز مانند هنرمندان به موضوع انسانی در آثار خود می‌پرداختند. دانته^۱ و پترارک^۲ از ادیبان بزرگ این عصر هستند. دانته برای اولین بار به زبان ایتالیایی جنبه‌ی ادبی داد که بعدها زبان ملی مردم آن سرزمین شد. در فرانسه، انگلستان و آلمان هم از این زمان زبان ملی برای کارهای ادبی، اداری و قضایی مطرح شد. دیگر زبان لاتین تنها زبان علمی و رسمی اروپا نبود.

علوم تجربی نیز که قبلاً مورد توجه نبود، علاقه‌مندی پیدا کرد. انتقال علوم اسلامی به اروپا در این خصوص تأثیر مهمی داشت. یکی از دانشمندان این دوره به نام راجر بیکن^۳ بر اهمیت تجربه در شناخت علمی تأکید کرد، مطالعه درباره‌ی بدن انسان بیشتر و در پزشکی پیشرفت بسیار حاصل شد. یکی از دانشمندان به نام ویلیام هاروی^۴ چگونگی گردش خون را کشف کرد. استفاده از علوم تجربی در رشته‌های دیگر نیز مورد توجه قرار گرفت. در ریاضیات، نجوم و جغرافیا هم اندیشه‌های نوینی مطرح شد. کپرنیک^۵ کروی بودن زمین را و پس از او گالیله^۶ گردش زمین به دور خورشید را اثبات کردند.

در آثار نقاشی دوره‌ی رنسانس می‌توان تصاویر بسیاری از ثروتمندان آن دوره را مشاهده کرد، ثروتمندان آن دوره در شهرهای شمال ایتالیا علاقه‌ی زیادی به فراهم آوردن اسباب شکوه و تجمل برای خود داشتند. لذا کاخ‌های زیبا و آثار هنری متعدد برای خود فراهم آوردند و هنرمندان را مورد حمایت و تشویق قرار دادند. در نتیجه در همه‌ی عرصه‌های هنری تحولاتی صورت گرفت.

در عرصه‌ی ادبیات نیز عصر رنسانس شاهد تحولات مهمی بود. در تجارت‌خانه‌های شمال ایتالیا نویسندگان و منشیان زبردستی پیدا شدند که دستور زبان، لغت و نیز تاریخ و حساب و مانند آن‌ها را می‌دانستند. هم‌چنین از مقررات علم حقوق و مکاتبات و تنظیم قراردادها مطلع بودند. بعضی از آن‌ها چند زبان مانند لاتین، عربی، عبری و یونانی می‌دانستند. بعضی از اینان هرچند در کلیسا درس خوانده بودند اما خدمات کلیسایی انجام نمی‌دادند. هم‌چنین مدارسی خارج از کلیسا تأسیس کردند. بدین ترتیب به‌عکس چند قرن پیش همه‌ی باسوادان اهل کلیسا نبودند،

۱- Dante ۲- Petrarc ۳- Roger Bacon ۴- William Harvey ۵- Copernicus ۶- Galilee

کرویت زمین و گردش خون در آثار جغرافی دانان مسلمان

یکی از جغرافی دانان مسلمان، در سده‌ی چهارم هجری، کتابی به نام صَوْرَ الْأَقَالِیمِ نوشت و در آن، نقشه‌ای از زمین کشید که آن را به شکل مُدَوَّرَ نشان می‌داد. هم‌چنین ابو عبدالله ادریسی (متولد ۴۹۴) اولین کره‌ی جغرافیایی را از نقره ساخت که نقشه‌ی کامل جهان آن روز به شمار می‌آید. هم‌چنین، ابن نفیس پزشک دمشقی سده‌ی ششم، در کتاب شرح قانون (شرح قانون ابن سینا) از کشف خود درباره‌ی گردش خون یاد کرده است. بی‌شک او این کشف را براساس تشریحی که بر روی بدن انسان انجام داده، به دست آورده است.

اروپا پایان داد و عصر جدیدی را آغاز کرد. نتایج مثبت و منفی این تحولات در چند قرن اخیر توسط مورخان و دیگر عالمان مورد بحث و بررسی بسیار قرار گرفته است.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما کدام دوره از تاریخ ایران از نظر علمی و فرهنگی با اروپای عصر رنسانس قابل مقایسه است؟ چه تفاوت‌هایی میان آن‌ها وجود دارد؟

در عرصه‌ی اختراعات، هرچند به اندازه‌ی علوم و هنرها و ادبیات پیشرفت وجود نداشت با این حال اختراعات مهمی صورت گرفت مانند اختراع دستگاه چاپ به وسیله‌ی گوتنبرگ^۱، و اختراع تلسکوپ به وسیله گالیله. دانش جغرافیایی اروپاییان نیز به دلایلی نظیر جنگ‌های صلیبی، مسافرت مارکوپولو به چین توسعه یافت. این زایش دوباره‌ی فکری و فرهنگی در اروپا که رنسانس نامیده شده است کم‌کم به عصر دنیای کهن در



دریانوردان عصر رنسانس با استفاده از ستارگان به تعیین موقعیت خود می‌پرداختند.

رشد دریانوردی و آغاز اکتشافات جغرافیایی

پس از آن که جنگ‌های صلیبی به دریا کشیده شد کم‌کم اروپاییان به تجارت در مدیترانه روی آوردند. آنان با استفاده از شیوه‌های کشتی‌سازی در اروپا و سرزمین‌های اسلامی کشتی‌های جدیدی ساختند که هم محکم‌تر و هم بزرگ‌تر از کشتی‌های قبلی بود و از سرعت و قابلیت هدایت بیش‌تری برخوردار بود. قطب‌نما که مسلمانان از طریق چینی‌ها با آن آشنا شده بودند، به اروپاییان رسید. قطب‌نما و نقشه‌های جدید جغرافیایی بهره‌گیری از راه‌های آبی و کشتی‌رانی را رونق فراوان بخشید. بندرهای بیزانس، شام، مصر، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال در نتیجه‌ی این پیشرفت‌ها شاهد رفت و آمد کشتی‌ها و گسترش فعالیت‌های تجاری بودند. سود فراوانی که از این طریق نصیب دریانوردان و بازرگانان می‌شد بر رونق تجارت دریایی افزود.

فکر کنید و پاسخ دهید:

با توجه به آنچه گفته شد سهم مسلمانان را در

اکتشافات جغرافیایی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اواخر قرون وسطا رقابت برای کسب ثروت و قدرت از طریق تجارت دریایی روز به روز در اطراف دریای مدیترانه بیش‌تر می‌شد و بندرهای بزرگ در رقابت با یک‌دیگر درگیر می‌شدند. اختلافات سیاسی و مذهبی نیز به این رقابت‌ها دامن می‌زد. در سال ۱۴۵۳م ۸۵۷هـ. ترکان عثمانی که قسمت‌های زیادی از سواحل شمال شرقی مدیترانه را تصرف کرده بودند موفق شدند با تصرف قسطنطنیه به عمر امپراتوری بیزانس پایان داده و تجارت شمال شرقی مدیترانه را از آن خود سازند. از آن پس حکومت‌های اروپایی به جای بیزانس با عثمانی به دادوستد پرداختند. اما حکومت‌های اسپانیا و پرتغال که با عثمانی در حال جنگ بودند نمی‌توانستند از این تجارت سود ببرند. بنابراین درصدد برآمدند به جای دریای مدیترانه از

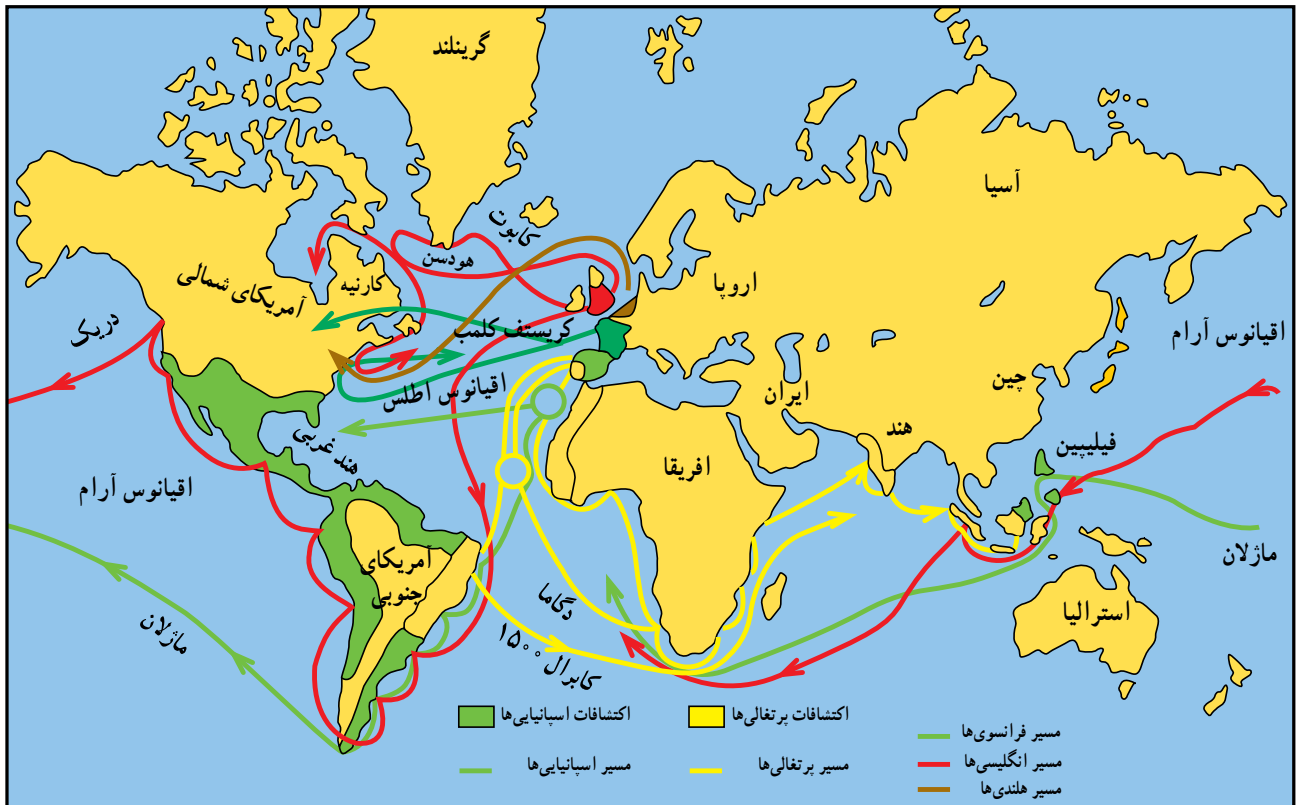
اقیانوس اطلس استفاده کنند. آنان فکر می‌کردند که از طریق اقیانوس اطلس می‌توان به هندوستان و چین رسید و به کالاهای پرارزشی چون ادویه و عطر و ابریشم دست یافت. با موفقیت در این امر آنان می‌توانستند به قیمت بسیار ارزان به کالاهای مورد نظر خود دست یابند و مجبور به پرداخت بهای گران به عثمانی نباشند و در عوض می‌توانستند این کالای ارزان را در اروپا با سود خوب به فروش برسانند.

در پی این فکر، پرتغالی‌ها معتقد شدند که می‌توان از سمت جنوب قاره‌ی افریقا را دور زد. آنان هرچند با استفاده از نقشه‌های جدید، اطلاعاتی از خشکی‌ها و دریاها داشتند اما هنوز به وسعت عظیم و پهناوری قاره‌ی افریقا پی نبرده بودند لذا راه اروپا به هند را خیلی دور تصور نمی‌کردند. اسپانیایی‌ها نیز تصور می‌کردند که اگر در اقیانوس اطلس به طرف غرب بروند به ژاپن و چین خواهند رسید. (چون اطلاعی از قاره‌ی آمریکا نداشتند فکر می‌کردند اقیانوس‌های اطلس و آرام یکی هستند.)

پرتغالی‌ها راه دریایی به مشرق زمین را کشف می‌کنند
از اواسط قرن پانزدهم میلادی پرتغالی‌ها از طریق سواحل غربی افریقا به سمت جنوب اقدام به دریانوردی کردند. آنان کم‌کم ساحل غربی افریقا را به امید دورزدن آن از سمت جنوب پیمودند. در همان حال به تجارت برده و عاج نیز مشغول شدند. برخلاف تصور آن‌ها نقطه‌ی جنوبی افریقا در فاصله‌ای بسیار دورتر قرار داشت. سرانجام در سال ۱۴۸۷ م. بارتولومودیا^۱ توانست از جنوبی‌ترین نقطه‌ی قاره‌ی افریقا که دماغه‌ی امیدنیک نام دارد بگذرد و به اقیانوس هند در مشرق زمین برسد. این کشف بسیار مهمی بود. پس از او دریانورد دیگر پرتغالی به نام واسکودوگاما^۲ توانست سراسر اقیانوس هند را بگردد و راه‌های هند، اندونزی و خلیج فارس را بیابد.

۱- Bartholomev Dias

۲- Vasco die Gama



اکتشافات جغرافیایی

جزیره‌ای رسیدند. کریستف کلمب به تصور این که به یکی از جزایر هندوستان رسیده است بومیان سرخ پوست آنجا را هندی نامید. او به اسپانیا بازگشت و با کشتی و آذوقه و افراد جدید بار دیگر اقدام به مسافرت کرد. با استفاده از تجارب سفر قبلی او توانست به راحتی به مناطقی جدید برسد در حالی که هم چنان فکر می کرد به هندوستان رسیده



کریستف کلمب

با کشف راه دریایی اقیانوس اطلس به اقیانوس هند پرتغالی‌ها با سرعت بیش تری خود را به دیگر سواحل جنوبی و شرقی آسیا رساندند.

اسپانیایی‌ها قاره‌ی آمریکا را کشف می‌کنند

در همان زمان که پرتغالی‌ها با دور زدن آفریقا به سوی شرق در حرکت بودند، دریانوردان اسپانیایی، به فرماندهی کریستف کلمب، با چندین فروند کشتی حرکت به طرف غرب اقیانوس اطلس را با هدف رسیدن به هندوستان آغاز کردند. عبور از دریا‌های ناشناخته بسیار خطرناک بود. آنان نه مسیرهای دریایی را می‌شناختند و نه با آب و هوای نواحی دور دست آشنا بودند. در نتیجه تعدادی از کشتی‌ها غرق شد. کمبود آذوقه نیز آن‌ها را بیمار ساخت و عده‌ای را از بین برد. سرانجام کریستف کلمب و همراهانش پس از ماه‌ها سرگردانی در دریا و تحمل مشکلات بسیار در سال ۱۴۹۲ م. به

است. او تا پایان عمر در اشتباه خود باقی ماند.

دیگر دریانوردانی که پس از کریستف کلمب اقدام به دریانوردی و اکتشاف کردند نیز تا مدت‌ها نمی‌دانستند که به قاره‌ی جدیدی رسیده‌اند تا آن که دریانوردی به نام امریکو و سپوچی^۱ پی برد که سرزمینی که به آن رسیده‌اند هند نیست بلکه قاره‌ی جدیدی است. این قاره را به نام او آمریکا نامیدند.

موفقیت‌هایی که پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در اکتشافات جغرافیایی به دست آوردند ملت‌های دیگر را نیز به دریانوردی و کشف سرزمین‌های جدید تشویق کرد. کم‌کم نقشه‌ی کره‌ی زمین مشخص‌تر شد. قاره‌ها و اقیانوس‌ها و حدود آن‌ها برای بشر معلوم شد و نقشه‌ی جهان به صورت کنونی شناخته گردید.

فکر کنید و پاسخ دهید:

همراه کاشفان، کسان دیگری نیز مانند سربازان، کشیش‌ها و بازرگانان به مناطق جدید اعزام می‌شدند، آیا می‌دانید علت این امر چه بود؟

استعمارگری پرتغال و اسپانیا

هرچند سرزمین‌هایی که پرتغالی‌ها، اسپانیایی‌ها و دیگران بدان رسیده بودند خالی از سکنه نبود و از روزگاران کهن حتی صاحب تمدن‌هایی بوده‌اند اما چون برای اروپایی‌ها ناشناخته بود، آن‌ها را کشف شده می‌دانستند. مثلاً در قاره‌ی آمریکا تمدن‌های سرخ‌پوستان وجود داشت. در سراسر اقیانوس هند ایرانی‌ها، عرب‌ها،

هندی‌ها و... از قرن‌ها پیش دریانوردی می‌کردند و همه‌ی نقاط آن را می‌شناختند. بنابراین به کار بردن اکتشاف توسط اروپاییان فقط از دیدگاه خودشان است. اروپاییان با استفاده از کشتی‌های جنگی و توپ اقدام به قتل و غارت در عرصه‌ی دریاها کردند و عده‌ی زیادی از بومیان را به قتل رساندند.

یکی از دریانوردان پرتغالی به نام آلبوکرک^۲ در هندوستان جزیره‌ای به نام گوا را اشغال کرد و آن‌جا را مرکز مستعمرات پرتغال در مشرق‌زمین قرار داد. در سراسر سواحل غربی و شرقی افریقا نیز پرتغالی‌ها با گلوله باران شهرهای ساحلی سلطه‌ی خود را برقرار ساختند. بندر عدن و بندر هرمز نیز به وسیله‌ی آن‌ها اشغال شد. پرتغالی‌ها بندر هنگ‌کنگ در چین را نیز متصرف شدند و بدین ترتیب تجارت با مشرق‌زمین را از آن خود ساختند.

فکر کنید و پاسخ دهید:

به نظر شما علل ضعیف شدن مردمان مشرق‌زمین و برتری یافتن اروپاییان در عصر جدید چیست؟

پس از یک دوره غارت و کشتار، اروپاییان اقدام به بهره‌برداری از منابع مستعمرات کردند. آنان با بومیان به صورت برده‌رفتار می‌کردند. علاوه بر تجارت کالا، اروپاییان به تجارت برده نیز روی آوردند. سپس سیل مهاجرت از انگلستان، فرانسه، اسپانیا، پرتغال و هلند، به سواحل آمریکا و افریقا سرازیر شد که بعدها موجب پیدایش کشورهای و ملت‌های جدیدی گردید.

۱- Amrigo Vespuchi

۲- Albuquerque

پرسش‌های نمونه

- ۱- علل و زمینه‌های رشد شهرنشینی در اروپای عصر رنسانس چه بود؟
- ۲- چرا در عصر رنسانس قدرت پادشاهان اروپایی افزایش یافت؟
- ۳- در عصر رنسانس چه تغییراتی در عرصه‌ی هنر ایجاد شد؟
- ۴- مشخصات اصلی ادبیات عصر رنسانس کدامند؟
- ۵- در دوره‌ی رنسانس چه تحولاتی در علوم تجربی پیدا شد؟
- ۶- مراحل مختلف کشف قاره‌ی آمریکا را توضیح دهید.
- ۷- اکتشافات جغرافیایی چه نتایجی برای اروپا داشت؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی یکی از سفرهای اکتشافی اروپاییان گزارشی بنویسید.
- ۲- چنانچه تاکنون فیلمی دیده‌اید یا کتابی خوانده‌اید که موضوع آن با تحولات عصر رنسانس مربوط است، گزارشی کوتاه درباره‌ی محتوای آن بنویسید.
- ۳- درباره‌ی سرگذشت یکی از اندیشمندان، دانشمندان، ادیبان یا هنرمندان عصر رنسانس مطلبی تهیه کنید.

منابع برای مطالعه‌ی بیش‌تر^۱

الف - تاریخ ایران

- ۱- آذری، علاء‌الدین، تاریخ روابط ایران و چین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲- آمیه، پیر، تاریخ عیلام، ترجمه‌ی شیرین بیانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
- ۳- اشپولر، برتولد، ایران در قرون نخستین اسلامی (۲ جلد)، ترجمه‌ی جواد فلاطوری و مریم میراحمدی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۴- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵.
- ۵- اطلس تاریخی ایران، جمعی از مؤلفان، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۱.
- ۶- اومستد، تاریخ شاهنشاهی هخامنشی، ترجمه‌ی محمد مقدم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۰.
- ۷- باسورث، ادموند کلیفورد، تاریخ غزنویان، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸.
- ۸- بریان، پی‌یر، تاریخ امپراتوری هخامنشیان (از کورش تا اسکندر)، ترجمه‌ی مهدی سمسار، تهران، انتشارات زریاب، ۱۳۷۷.
- ۹- بویس، مری و فرانز گرنر، تاریخ کیش زرتشت (۳ جلد)، ترجمه‌ی همایون صنعتی‌زاده، تهران، توس، ۱۳۷۵.
- ۱۰- بویس، مری و جورج فارمهرنری، دو گفتار درباره‌ی خنیاگری و موسیقی ایران، ترجمه‌ی بهزاد باشی، تهران، آگاه، ۱۳۶۸.
- ۱۱- بهار، مهرداد، جستاری چند در فرهنگ ایران، تهران، فکر روز، ۱۳۷۶.
- ۱۲- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵ - ۱۳۶۷.
- ۱۳- ملک‌زاده‌ی بیانی، ملک‌زاده، تاریخ سکه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- بیهقی، ابوالفضل محمدبن حسین، تاریخ بیهقی، به اهتمام دکتر غنی و دکتر فیاض، تهران، انتشارات خواجه، ۱۳۷۰.
- ۱۵- پیرنیا، حسن، ایران باستان (۳ جلد)، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۷۰.
- ۱۶- تاریخ ایران کمبریج، گروه مؤلفان، ترجمه‌ی حسن انوشه، جلد‌های ۳ (قسمت اول و دوم)، ۴ و ۵، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۸ - ۱۳۶۴ و جلد ۶ (تیموریان و صفویان)، ترجمه‌ی یعقوب آژند، انتشارات جامی، ۸۰ - ۱۳۷۹.
- ۱۷- حصوری، علی، آخرین شاه، تهران، مؤلف، ۱۳۷۱.
- ۱۸- خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، جامع‌التواریخ (۴ جلد)، تصحیح محمد روشن و مصطفی موسوی، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۳.
- ۱۹- داندامایف، م. آ.، ایران در دوران نخستین پادشاهان هخامنشی، ترجمه‌ی روحی ارباب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳.
- ۲۰- دیاکونوف، ا. م.، تاریخ ماد، ترجمه‌ی کریم کشاورز، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.

۱- معرفی این منابع به معنی تأیید همه‌ی مطالب آن‌ها نیست.

- ۲۱- رضا، عنایت‌الله، ایرانیان و ترکان در روزگار ساسانیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۵.
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران بعد از اسلام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۸.
- ۲۳- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ مردم ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۷.
- ۲۴- زرین کوب، عبدالحسین، روزگاران ایران، تهران، علمی، ۱۳۷۷.
- ۲۵- ساندرز، ج.ج.، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه‌ی ابوالقاسم حالت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۲۶- سلطان‌زاده، حسین، تاریخ مدارس ایران، تهران، آگاه، ۱۳۶۴.
- ۲۷- صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات ایران، تهران، فردوس، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۲.
- ۲۸- فرای، ریچارد، میراث باستانی ایران، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۲۹- فرشاد، مهدی، تاریخ علم در ایران (۲ جلد)، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۶.
- ۳۰- فروزنده، مسعود، تحقیقی در دین صابئین مندائی، تهران، سماط، ۱۳۷۷.
- ۳۱- قفس اوغلی، ابراهیم، تاریخ دولت خوارزمشاهیان، ترجمه‌ی دکتر داود اصفهانیان، تهران، گستره، ۱۳۶۷.
- ۳۲- کارنامه‌ی اردشیر بابکان، ترجمه‌ی قاسم هاشمی‌نژاد، تهران، نشر مرکز، ۱۳۶۹.
- ۳۳- کامرون، جورج، ایران در سپیده دم تاریخ، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۴.
- ۳۴- کخ، هایدماری، از زبان داریوش، ترجمه‌ی پرویز رجبی، تهران، کارنگ، ۱۳۷۶.
- ۳۵- کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی غلامرضا رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ نهم، ۱۳۷۷.
- ۳۶- کسای، نورالله، نظامیه‌ها و تأثیرات علمی و اجتماعی آن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۷- کسنوفون، آناپاسیس، ترجمه‌ی احمد بیرشک، تهران، کتاب‌سرا، ۱۳۷۵.
- ۳۸- کلوزنر، کارلا، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.
- ۳۹- گیرشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه‌ی محمدمعین، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- ۴۰- گیرشمن، رومن، هنر ایران (۲ جلد)، ترجمه‌ی عیسی بهنام و بهرام فره‌وشی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
- ۴۱- لمبتون، آن. اس.، تداوم و تحول در تاریخ میانه‌ی ایران، ترجمه‌ی یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۷۲.
- ۴۲- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن ایلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- ۴۳- محمدی، محمد، فرهنگ ایرانی پیش از اسلام و آثار آن در تمدن اسلامی و ادبیات عربی (۴ جلد)، تهران، توس، ۱۳۷۴.
- ۴۴- مطهری، مرتضی، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.
- ۴۵- منز، بئاتریس فوریز، برآمدن و فرمان‌روایی تیمور، ترجمه‌ی منصور صفت گل، تهران، مؤسسه‌ی خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- ۴۶- مورگان، دیوید، ایران در قرون وسطا، ترجمه‌ی عباس مخبر، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.
- ۴۷- میرسعیدی، نادر، تاریخ سیاسی ایلام باستان، تهران، کتاب سیامک، ۱۳۷۵.

- ۴۸- ناصح، ناطق، بحثی درباره‌ی زندگی مانی و پیام او، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۸.
- ۴۹- ویسهوفر، یوزف، ایران باستان، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۷.
- ۵۰- هرتسفلد، ارنست، تاریخ باستانی ایران بر بنیاد باستان‌شناسی، ترجمه‌ی علی‌اصغر حکمت، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۴.
- ۵۱- هینتس، والتر، دنیای گمشده‌ی ایلام، ترجمه‌ی فیروز فیروزنیا، تهران، مؤسسه‌ی تحقیقات و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.

ب- تاریخ اسلام

- ۱- آل علی، نورالدین، اسلام در غرب، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۰.
- ۲- آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ زندگانی پیامبر اسلام، تصحیح و تعلیقات دکتر ابوالقاسم گرجی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۸.
- ۳- ابن اثیر، عزالدین علی بن محمد، تاریخ کامل، ترجمه‌ی دکتر محمدحسین روحانی، تهران، توس.
- ۴- ابن جعفر، قدامه، کتاب الخراج، ترجمه و تحقیق حسین قره‌چانلو، تهران، البرز، ۱۳۷۰.
- ۵- ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی، تاریخ فخری، ترجمه‌ی محمد وحید گلپایگانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم، ۱۳۶۷.
- ۶- ابن هشام، سیرت رسول الله (دو جلد)، ترجمه‌ی رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، تصحیح دکتر اصغر مهدوی، تهران، خوارزمی، ۱۳۶۲.
- ۷- احسن، محمد مناظر، زندگی اجتماعی در حکومت عباسیان، ترجمه‌ی مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۹.
- ۸- ارسلان، شکیب، تاریخ فتوحات اسلامی در اروپا، ترجمه‌ی علی دوانی، تهران، حکمت، بی‌تا.
- ۹- باسورث، ادmond کلیفورد، سلسله‌های اسلامی، ترجمه‌ی فریدون بدره‌ای، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹.
- ۱۰- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر، فتوح البلدان، ترجمه، مقدمه و تحشیه‌ی دکتر محمد توکل، تهران، نشر نقره، ۱۳۶۷.
- ۱۱- زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه و نگارش علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۳.
- ۱۲- جعفری، سیدحسین، تشیع در مسیر تاریخ، ترجمه‌ی آیت‌اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۹.
- ۱۳- جعفریان، رسول، تاریخ سیاسی اسلام (۲ جلد)، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۱۴- چارشلی، اوزون، تاریخ امپراتوری عثمانی (۳ جلد)، تهران، کیهان، ۱۳۷۲-۱۳۶۸.
- ۱۵- حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تبریز، کتاب‌فروشی حاج محمدباقر کتابچی حقیقت با همکاری فرانکلین، ۱۳۴۴.
- ۱۶- خضری، سیداحمد رضا، تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه، تهران، سمت، ۱۳۷۸.

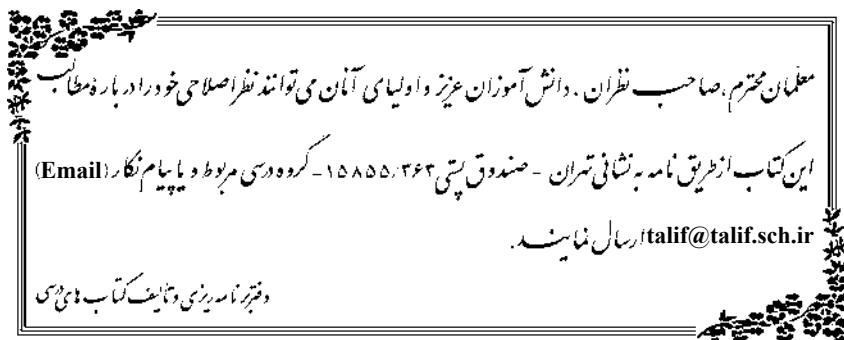
- ۱۷- دنت، دانیل، مالیات سرانه و تأثیر آن در گرایش به اسلام، ترجمه‌ی دکتر محمدعلی موحد، تهران، خوارزمی، چ سوم، ۱۳۵۸.
- ۱۸- روزنتال، فرانتس، تاریخ تاریخ‌نگاری در اسلام (۲ جلد)، ترجمه‌ی دکتر اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۶۶.
- ۱۹- زرگری‌نژاد، غلامحسین، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- ۲۰- زرین‌کوب، عبدالحسین، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۱- زرین‌کوب، عبدالحسین، کارنامه‌ی اسلام، تهران، امیرکبیر، چاپ مکرر.
- ۲۲- شاو، استانفوردجی، تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه‌ی جدید (۲ جلد)، ترجمه‌ی محمود رمضان‌زاده، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۰.
- ۲۳- شهیدی، جعفر، تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ بیست‌ودوم، ۱۳۷۷.
- ۲۴- الشیخی، صباح ابراهیم سعید، اصناف در دوره‌ی عباسی، ترجمه‌ی هادی عالم‌زاده، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲.
- ۲۵- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.
- ۲۶- عنان، محمد عبدالله، تاریخ دولت اسلامی در اندلس (۵ جلد)، ترجمه‌ی عبدالمحمد آیتی، تهران، کیهان، ۱۳۷۱.
- ۲۷- فلوتن، فان، تاریخ شیعه و علل سقوط بنی‌امیه، ترجمه‌ی مرتضی هاشمی حائری، تهران، اقبال، ۱۳۲۵.
- ۲۸- مرتضی‌عاملی، علامه جعفر، سیره‌ی صحیح پیامبر بزرگ اسلام (۶ جلد)، ترجمه‌ی حسین تاج‌آبادی، قم، مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی آزاد گرافیک، چاپ دوم، ۱۳۷۳.
- ۲۹- مسعودی، علی‌بن حسین، التنبیه و الاشراف، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۶۵.
- ۳۰- مسعودی، علی‌بن حسین، مروج الذهب (۲ جلد)، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.
- ۳۱- وات، مونتگمری، تأثیر اسلام در اروپای قرون وسطا، ترجمه‌ی یعقوب آرژند، تهران، مولی، ۱۳۶۱.
- ۳۲- وهازارد، هاری، اطلس تاریخ اسلام، ترجمه‌ی محمود عرفان، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۳۷.
- ۳۳- یعقوبی، ابن‌واضح، تاریخ یعقوبی (۲ جلد)، ترجمه‌ی محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱.

پ - تاریخ جهان

- ۱- آزادگان، جمشید، ادیان ابتدایی (تحقیق در توتیمیزم)، تهران، میراث ملل، ۱۳۷۲.
- ۲- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ اکتشافات جغرافیایی و تاریخ علم جغرافیا، تهران، شرکت مطبوعات، ۱۳۱۲.
- ۳- اوریان، میکائیل، تاریخ اکتشافات جغرافیایی از آغاز تا دوره‌ی معاصر، اولسن، ترجمه‌ی رضا مشایخی، تهران، زوار، بی‌تا.

- ۴- بهار، مهرداد، از اسطوره تا تاریخ، تهران، نشر چشمه، ۱۳۷۶.
- ۵- پالم، رابرت روزول، تاریخ جهان نو (۲ جلد)، ترجمه‌ی ابوالقاسم طاهری، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۹.
- ۶- جوهری، بسری عبدالرزاق، تاریخ اکتشافات جغرافیایی، ترجمه‌ی عیسی متقی‌زاده و احمد برادری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۴.
- ۷- خیراندیش، عبدالرسول، تاریخ جهان، تهران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۶.
- ۸- دولاندلن، شارل، تاریخ جهانی (۲ جلد)، ترجمه‌ی احمد بهمنش، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- ۹- رانسیمان، استیون، تاریخ جنگ‌های صلیبی (۳ جلد)، ترجمه‌ی منوچهر کاشف، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- ۱۰- روسو، بی‌یر، تاریخ علوم، ترجمه‌ی حسن صفاری، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۰.
- ۱۱- شببانی، عبدالحسین، تاریخ عمومی قرون وسطا (۳ جلد)، تهران، اشرفی، ۱۳۴۵.
- ۱۲- شی‌یرا، ادوارد، الواح بابل، ترجمه‌ی علی اصغر حکمت، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵.
- ۱۳- فاطمی، سعید، اساطیر یونان و روم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- ۱۴- کریم، ساموئل، الواح سومری، ترجمه‌ی داوود رسائی، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.
- ۱۵- کوروفکین، تاریخ دنیای قدیم (۳ جلد)، ترجمه‌ی غلامحسین متین، تهران، شبگیر، ۱۳۵۳.
- ۱۶- گیون، ادوارد، انحطاط و سقوط امپراتوری روم (۲ جلد)، ترجمه‌ی فرنگیس شادمان (نمازی)، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۱.
- ۱۷- لیتون، رالف، تاریخ تمدن، ترجمه‌ی پرویز مرزبان، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۸- لوکاس، هنری، اس، تاریخ تمدن از کهن‌ترین روزگار تا سده‌ی ما (۲ جلد)، ترجمه‌ی عبدالحسین آذرنگ، تهران، کیهان، ۱۳۶۶.
- ۱۹- ماله، آلبر و ژول ایزاک، تاریخ قرون وسطا، ترجمه‌ی عبدالحسین هژیر، تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۰.
- ۲۰- مجیدزاده، یوسف، تاریخ و تمدن بین‌النهرین باستان (۳ جلد)، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶.
- ۲۱- ممتحن، حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۵۷.
- ۲۲- میک، تتوفیل، قانون‌نامه حمورابی، ترجمه‌ی کامیار عبدی، تهران، میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۶.
- ۲۳- نهرو، جواهر لعل، نگاهی به تاریخ جهان (۳ جلد)، ترجمه‌ی محمود نفضلی، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۵۷.
- ۲۴- ویل دورانت، تاریخ تمدن (۱۱ جلد)، ترجمه‌ی گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۷۰.
- ۲۵- هرودوت، تواریخ، ترجمه با حواشی وحید مازندرانی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۷.





فهرست مطالب

۹۷	درس ۱۱- اسلام در مدینه	سخنی با دبیران گرامی
۱۰۷	درس ۱۲- عصر خلفای نخستین	دانش آموزان گرامی
۱۱۶	درس ۱۳- خلافت امویان	
۱۲۴	درس ۱۴- خلافت عباسیان	بخش اول: تاریخ و آغاز آن
		درس ۱- تاریخ چیست و مورخ کیست؟
	بخش چهارم: ایران از ورود اسلام تا صفویان	۲
		۸ - پیش از تاریخ (برای مطالعه)
۱۳۲	درس ۱۵- ایران در قرون نخستین اسلامی (۱)	
۱۳۸	درس ۱۶- ایران در قرون نخستین اسلامی (۲)	بخش دوم: جهان باستان
۱۴۴	درس ۱۷- تاریخ ایران از غزنویان تا مغولان	درس ۲- تمدن در «میان دورود»
۱۵۵	درس ۱۸- تاریخ ایران از مغول تا صفویه	درس ۳- مصر، هدیه ی نیل
	درس ۱۹- تمدن و فرهنگ ایران (از ورود اسلام تا پایان قرن نهم هجری)	۲۱
۱۶۵		۲۸ - چین و هند باستان (برای مطالعه)
	بخش پنجم: اروپا در قرون وسطا و عصر رنسانس	درس ۴- سرزمین و مردم ایران قبل از آریایی ها
		درس ۵- تلاش برای زیستن؛ آریایی ها از
۱۷۶	درس ۲۰- اروپا در قرون وسطا	مهاجرت تا تشکیل حکومت
۱۸۲	درس ۲۱- جنگ های صلیبی	درس ۶- هخامنشیان
۱۸۸	درس ۲۲- رنسانس در اروپا	درس ۷- یونان و روم
		درس ۸- اشکانیان
		درس ۹- ساسانیان
۱۹۹	منابع برای مطالعه ی بیشتر	بخش سوم: ظهور اسلام، حرکتی تازه در تاریخ
		درس ۱۰- طلوع اسلام